

درآمدی بر بررسی احکام نظر و نظریه مشروعیت نگاه عقل مدار

سید محمدرضا آیتی^۱

چکیده:

احکام تعامل مردان و زنان اگرچه به‌طور متمرکز در فقه مورد بحث واقع نشده اما در لابلای مباحث مختلف به آن پرداخته شده است. این تعامل در چهار حوزه نگاه، لمس، صدا و پوشش (نظر، مس، صوت و حجاب) قابل بررسی است. مقاله حاضر به بررسی احکام نظر از منظر قرآن و حدیث و نقد و ارزیابی آراء فقهاء اختصاص یافته و امید می‌رود سایر مباحث در مقاله‌های آتی ارائه گردد.

در بخش نگاه ابتدا به طبقه بندی حوزه‌های مختلف که مد نظر فقهاء بوده، اشاره شده و سپس با ارائه یک مدل جدید در تقسیم بندی، ضمن بررسی و تحلیل اقوال مختلف، فرضیه مشروعیت نگاه عقل مدار را با استناد به ادله معتبر در حوزه فقه برگزیده شده است. بر اساس این نظریه نگاه زن و مرد به هم جنس یا غیر هم جنس خود که در حوزه رفتار عقلاء موجه تلقی شود، در حوزه شرع مجاز و مشروع است. اما آنجا که چشم به عنوان صیادی افسار گسیخته در اطاعت از نفس شیطانی و بدون هیچ جنبه معقول، برده‌های عفت و حریم خصوصی افراد را در می‌نوردد، در حوزه شرع به مانند قلمرو عقل نگاهش مذموم و ناپسند و در نهایت تباه کننده قلمداد شده است.

کلید واژه‌ها: نگاه عقل مدار، احکام نظر، محارم، شرع، احکام فقه، قرآن.

طرح مسأله

یکی از مسائل مهم و مورد ابتلاء در جامعه اسلامی و خصوصاً در عصر حاضر که زنان حضور پر رنگ و چشمگیری در تمام عرصه‌های اجتماعی دارند نحوه تعامل زن و مرد و قلمرو مجاز و مشروع آن است.

نگاه یکی از گونه‌های این تعامل است که برای مسلمانان متشرع دانستن حکم شرعی و محدوده مباح آن یکی از دغدغه‌های اصلی بوده است. هر چه حضور زنان در جامعه رو به گسترش می‌نهد ضرورت این بحث بیشتر خودنمایی می‌کند. امروزه کمتر کارمند مسلمانی است که در عرصه‌های مختلف آموزش و پرورش و درمان و اداره و... حضور داشته باشد و در کنار خود شاهد حضور چند کارمند زن نامحرم نباشد.

اما فقهاء بحث جدیدی را در این حوزه نگشوده‌اند و آنچه برای مراجعه کنندگان قابل دسترسی می‌باشد همان بحث‌های پراکنده‌ای است که بعضی از آنها به مناسبت رژیم‌های نامشروع و فضای فرهنگی غیراسلامی حاکم صادر شده است. لذا این مقاله به بحث و بررسی احکام نگاه با رویکردی نو پرداخته که در لابلای مباحث عرضه می‌گردد.

فقهاء بحث نظر را با عنایت به مرد و زن بودن ناظر و منظورالیه از یک طرف و مسلمان بودن و نبودن آن دو از طرف دیگر و وجود رابطه زوجیت یا محرمیت و فقدان آن و صغیر بودن و نبودن ناظر یا منظور الیه و اینکه به چه عضوی از اعضاء نگریسته شود و اینکه ضرورت وجود دارد یا نه و قصد تلذذ یا نکاح و... تقسیم بندی کرده و به ابعاد مختلف مسئله پرداخته‌اند. نگارنده با توجه به اینکه معتقد است، اکثر فروع از احکام یکسانی برخوردار است اقسام مختلف را به سه عنوان، فرو کاسته و به بررسی آنها پرداخته است. در خاتمه نیز چهار مبحث ۱- نظر به عورت ۲- ضرورت نظر ۳- قصد تلذذ و ریبه ۴- قصد نکاح را به دلیل گسترش آن در تمام مباحث مربوط به نظر به طور مختصر مورد بحث قرار گرفته است.

نگاه هم جنس به یکدیگر

از عبارات فقهاء چنین برداشت می‌شود که نظر هم جنس به هم جنس بلامانع است.

محقق حلی در شرائع الاسلام (۴۹۵/۲) ضمن بیان این حکم هیچ تفاوتی بین پیر و جوان و زشت و زیبا قائل نشده، بلکه به عدم فرق نیز تصریح نموده و اما دلیلی بر این حکم ذکر نکرده است.^۱

شهید ثانی (شرح اللمعة الدمشقیة، ۹۸/۵) نیز عینا همین حکم را بدون هیچ استدلالی تکرار نموده است.

هم ایشان در مسالک الافهام (۴۵/۷) این فتوی را از نظر قول و فعل موضع وفاق بین فقهاء دانسته است.

فاضل هندی در کشف اللثام (۲۳/۷) ضمن بیان همین حکم و مورد اتفاق بودن آن مستندش را اصالة الاباحه که فاقد هر گونه معارضی است دانسته.^۲

صاحب جواهر (۷۱/۹۲) ضمن تکرار همین فتوی و بیان نظر شهید در مسالک که آن را موضع وفاق دانسته، احتمال داده که این حکم از ضروریات دین باشد. اما اینکه چگونه از ضروریات دین است؟ به استمرار عمل مسلمین در جمیع اعصار و امصار و هم چنین عمل پیامبر اکرم که غلامی زیبا روی را در کنار خود نشانده و امر به احتجاج از مردم نکرد تمسک جسته است.^۳

نگاه غیر هم جنس به یکدیگر

۱- اگر زوج و زوجه باشند

ظاهرا بین مسلمین خلافتی در جواز نگاه زوج به بدن زوجه خود و بالعکس وجود ندارد.

محقق حلی در شرائع الاسلام (۴۹۵/۲) و همچنین المختصر النافع (۱۷۲) این مطلب را

بیان داشته است.^۴

۱- ویجوز أن ينظر الرجل إلى مثله ما خلا عورته ، شیخا کان أو شابا ، حسنا أو قبیحا ، ما لم یکن النظر لریبة أو تلذذ وكذا المرأة.

۲- للأصل من غیر معارض قولی أو فعلی إلا لریبة أو تلذذ وكذا تنظر المرأة إلى مثلها.

۳- وقد روی «أن وفدا قدموا على رسول الله صلى الله عليه وآله وفيهم غلام حسن الوجه فأجلسه من ورائه ، وكان ذلك بمرأى من الحاضرين» ولم يأمره بالاحتجاج عن الناس.

۴- وللرجل أن ينظر إلى جسد زوجته باطنا وظاهرا ، وإلى المحارم ما عدا العورة وكذا المرأة.

فاضل آبی در کشف الرموز (۱۰۴/۲) و علامه حلی در تذکره الفقهاء (۵۷۴/۲) و همچنین در تحریر الاحکام (۳/۲) و ابن فهد حلی در المذهب البارع (۲۰۳/۳ و ۶) بدون ذکر دلیل، همین حکم را بیان داشته‌اند.

شهید در مسالک الافهام (۴۶/۷) ضمن بیان همین حکم مستند آن را فحوای ادله استمتاع نسبت به نظر دانسته و گفته: «وقتی تمتع از بدن زوجه جایز است، نگاه به آن به طریق اولی جایز است»^۱.

صاحب ریاض المسائل (الطباطبایی، ۷۳/۲) نیز ضمن بیان این حکم چهار دلیل به عنوان مستند این حکم ذکر کرده است که عبارتند از:

۱- اجماع ۲- اصالة الاباحه ۳- فحوای جواز جماع ۴- روایاتی که از نظر به بدن زوجه درحالی که عریان است نفی باس کرده است.^۲

همین مطلب را سایر فقهاء نیز همچون صاحب جواهر در کتاب خود (۷۲/۹۲) و سید یزدی در العروه الوثقی (۴۸۳/۵) و سیدخوانساری در جامع المدارک (۱۴۰/۴) و سید خونی در کتاب النکاح (۲۰/۱) و دیگر فقهاء آورده و حتی تقبیل هرعضوی از اعضاء بدن زوجه را هم بلا مانع دانسته‌اند.

این مسئله علی الظاهر بین فقهاء اهل سنت نیز محل خلاف نبوده است.^۳

۲- اگر از محارم باشند

منظور از محارم کسانی است که نکاح با آنها حرام ابدی است، خواه این حرمت به نسب باشد یا رضاع یا نکاح (العاملی، ۵۵/۱) (امام خمینی، ۲۴۳/۲) جواز نظر به بدن محارم (به غیر از عورت و مورد ربه) بین فقهاء امامیه مورد اتفاق است.

۱- لا شبهة فی جواز نظر کل من الزوجین إلى جسد الآخر مطلقا ، لأن له الاستمتاع به ، فالنظر أولى.
 ۲- ویجوز ان ینظر الرجل والسید إلى جسد زوجته مط وامتة الغير المزوجة من الغير مط کالعکس باطنا وظاهرا
 اجماعا للاصل وفحوی جواز الجماع وما تقدم من الاخبار الثاقبة للباس عن النظر إلى سرّة الزوجة والمرسل
 کالصحيح فی الرجل ینظر إلى امراته وهی عریانه قال لا باس بذلک.
 ۳- از جمله نک: روضة الطالبین، محبی الدین النووی، ۳۷۲/۵، الاقناع، موسی الحجاوی، ۶۷/۲ وجواهر العقود،
 المنهاجی الأسیوطی، ۵/۲.

محقق در المختصر النافع (ص ۱۷۲) و علامه در تذکرة الفقهاء (۵۷۴/۲) سید محمد عاملی در نهاية المرام (۵۵/۱)، محقق بحرانی در الحدائق الناضرة (۶۱/۳۲) و طباطبایی در ریاض المسائل (۷۳/۲) و سید خوانساری در جامع المدارک (۱۴۰/۴) و دیگر فقهاء متاخر مانند امام خمینی (۲۴۳/۲) و... این فتوی و اتفاق اصحاب را بیان نموده‌اند.

البته ممکن است در تفسیر عورت بین فقهاء اختلاف باشد، بعضی آن را به قبل و دبر تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۷۳/۲) و بعضی آن را شامل مابین السره و الركبه هم دانسته‌اند (الروحانی، ۳۲۳).

علامه مستند این قول را آیه شریفه قرآن^۱ بیان داشته و مرحوم عاملی قبل از آیه شریفه به اصالة الجواز تمسک نموده است.

بر خلاف فقهاء امامیه، فقهاء اهل سنت اقوال مختلفی ارائه داده‌اند، شافعی در یکی از اقوال خود نظر به غیر از دست و صورت محارم را حرام دانسته است. ایشان دلیل این حرمت را فقدان هرگونه ضرورتی در رویت غیر وجه و کفین برشمرده است. ایشان در همین راستا سینه را در حال شیردادن به دلیل ضرورت استثناء نموده است. (نقل از علامه حلی، ۵۷۴/۲)

ابن قدامه حنبلی (الشرح الکبیر، ۳۴۳/۷) نظر به اعضائی را که غالباً آشکار است مانند گردن و سر و کفین و قدمین و مانند آن را جایز دانسته است.

به هر حال مسئله بین فقهاء عامه اختلافی است. این اختلاف گستره‌ای از جواز به مانند نظر افراد هم جنس به یکدیگر تا حرمت به مانند نظر بیگانگان به هم دیگر یا تفصیل مختلف که بعضی از آنها ذکر شد را در بر می‌گیرد.

بعضی بین محارم نسبی و سببی تفصیل داده (علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۵۷۴/۲) و برخی دیگر بین محارم و غیر محارم تفکیکی قائل نشده و بعضی هم فقط سینه‌ها را در محارم استثناء نموده و بعضی دیگر از فقهاء اعضاء ظاهر بدن را.

۱- ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن أو آباءهن أو آباء بعولتهن الایة. (النور، ۳۲)

۳- اگر بیگانه باشند

ظاهر عبارت فقهاء نشان می دهد که احکام نگاه بسته به ذکوریت و انوئیت ناظر و منظورالیه متفاوت است و لذا معتقدند در صورتیکه منظورالیه زن باشد، مسلمان یا غیر مسلمان بودن آن در جواز نظر به او خالی از تاثیر نیست. اصولاً تمام فقهائی که بین مسلمان و غیر مسلمان فرق گذاشته اند، آن را منحصر در جانی مطرح کرده اند که منظورالیه زن باشد. به این لحاظ شایسته است که یک تقسیم بندی دیگری تحت عنوان زن بودن منظورالیه و مرد بودن آن و به دنبال آن تقسیم دیگری هم ذیل زن بودن منظورالیه به مسلمان و غیر مسلمان صورت پذیرد.

ولی به لحاظ اینکه نگارنده معتقد است طرح یک مسئله در خصوص زن بودن منظورالیه موجب اختصاص احکام به آن نمی شود، خصوصاً اینکه اقتضای عموم ادله و اطلاق تعلیلات وارده شامل هر دو جنس می شود بدون هیچگونه تقسیم بندی و تفاوتی بین زن و مرد بودن ناظر و منظورالیه یا دین و اعتقاد آنها احکام این بخش را از منظر فقهی مورد بررسی قرار می دهد. فقهاء اعضاء بدن زن و مرد را به دو بخش تقسیم نموده اند:

◆ ۱- اعضاء بدن غیر از دست و صورت (بنا بر بعضی از اقوال قدم هم داخل در استثناء قرار گرفته است) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

◆ ۲- دست و صورت (قدم) که ذیلاً به بررسی و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

◆ ۱-۳ در مورد حکم نگاه به اعضاء بدن غیر از دست و صورت بین فقهاء امامیه بلکه علماء اسلام اختلاف و تردیدی وجود ندارد و بالاتفاق قائل به حرمت شده اند. محقق حلی در شرایع الاسلام (۴۹۵/۲) صریحاً گفته مرد نباید ابداً به زن نامحرم نظر افکنند... و همچنین زن به مرد.^۱

علامه حلی در قواعد الاحکام (۶/۳) و هم چنین تذکرة الفقهاء (۵۷۳/۲) و فرزندایشان در ایضاح الفوائد (۷/۳) و محقق کرکی در جامع المقاصد (۳۲/۲۱) شهید ثانی در الروضه

۱- ولا ينظر الرجل إلى الأجنبية أصلاً ... وكذا الحكم في المرأة.

البیهه (۹۹/۵) و مسالک الافهام (۴۳/۷) به صراحت این حکم را بیان کرده اند. شهید در مسالک ضمن نفی هرگونه فرق بین قصد تلذذ و ریبه و یا خوف فتنه و عدم آن تصریح نموده که این حکم بین تمام مسلمین مورد وفاق است.

محقق سبزواری در کفایة الاحکام (ص ۱۵۳) ضمن تحریم نظر گفته هیچگونه مخالفی در این حکم نمی شناسم.

صاحب جواهر (۷۵/۹۲) پس از بیان این حکم دلیل آن را اجماع بلکه ضرورت مذهب بلکه دین برشمرده است.

البته محقق کرکی در جامع المقاصد شخص پسر و علامه در تذکره عنین مخنث را استثناء نموده که صاحب جواهر ضمن تأیید آن شخص، ابله را هم به آن افزوده است.

شیخ انصاری (ص ۶۱) نیز با بیان خلافی نبودن مسئله بین مسلمین باتمسک به عموم ادله، نظر اجنبی و اجنبیه را جایز ندانسته است. ایشان فرموده: «همانگونه که جایز نیست مرد به زن نامحرم نگاه کند، جایز نیست زن هم به مرد نامحرم نظر افکند ولو آن مرد کور باشد».

نگارنده با کاوشی که در بین اقوال فقهاء نموده تنها آیه الله خوئی را یافته که پنج دلیل بر حرمت شمرده است که ذیلاً به نقل و ارزیابی ادله ایشان می پردازیم:

◆ ۱- قول خداوند که فرمود: «لا یبدین زینتهن...» بنا براینکه مراد از زینت مواضع زینت باشد، که در این صورت دلالت بر وجوب ستر و حرمت کشف دارد، عرفاً واضح است که ستر به عنوان مقدمه نظر مرد به زینت واجب شده که حرمت نظر را نتیجه می دهد.

روشن و آشکار است کشف ملاک از طریق ادعای وضوح عرفی برای حکم حرمت؛ آنهم از طریق مقدمه حرام که اصل آن مورد اختلاف بین اصولیین، بلکه خلاف آن مشهور بین فقهاء است دلیل قابل قبولی تلقی نمی شود.

◆ ۲- اخباری که دلالت بر حرمت نظر به صورت و دست زن دارد که به اولویت قطعیه دلالت بر حرمت نظر به سایر اعضاء دارد.

۱- و اعلم أنه كما لا يجوز للرجل أن ينظر إلى الأجنبية، كذلك لا يجوز للمرأة النظر إلى الأجنبية وإن كان أعمى لعموم الأدلة.

این دلیل آیه الله خوئی هم به لحاظ قطعی نبودن اولویت، بلکه به دلیل اولیوی که در خلاف آن وجود دارد، گذشته از تردیدی که در روایات حرمت آشکار است، قابل قبول نیست، بر همین اساس نیز بسیاری از فقهاء که به حرمت مطلق فتوا نداده اند ممکن است به این لحاظ باشد که به هر حال زیباترین عضو هر انسانی اعم از زن و مرد رخ اوست و قیاس رخ به سایر اعضا مثل ساعد غیر قابل قبول است. حداکثر از نوع قیاس خفی است که بطلان آن نزد فقهاء امامیه متفق علیه است.

◆ ۳- روایاتی که دلالت بر جواز نظر به مو و ساق زنی که قصد نکاح با آن دارد می‌کند.

این دلیل نیز به لحاظ اینکه اثبات‌شی نفی ماعدا نمی‌کند قابل استناد برای حکم به حرمت نیست. از جواز نظر به مو در مورد خاص نمی‌توان استفاده حرمت در موارد دیگر نمود.

◆ ۴- خبر سکونی مبنی بر جواز نظر به زنان اهل کتاب مستندا به فقدان هر گونه حرمت برای آنها، که با عنایت به حرمت زنان مسلمان عدم جواز استفاده می‌شود.

صرف نظر از اعتبار روایت، تعلیق حرمت نظر به حرمت شخص پیامدها و لوازم دیگری دارد که بعید می‌دانم فقهاء به آن ملتزم شوند.

◆ ۵- روایاتی که دال بر جواز نظر به زنان بادیه نشین دارد، با این تعلیل که آنها چون مورد نهی قرار گیرند اعتناء نمی‌کنند. این تعلیل اقتضاء دارد که نظر به زن فی حد ذاته حرام باشد. (۴۹/۱)

در اینکه این تعلیل‌ها به وضوح دلالتی بر حرمت داشته باشد انصافا محل تامل است.

اگر چه این حکم بین فقهاء عامه نیز قطعی به نظر میرسد ولی تحقیق بیشتر نشان میدهد ظاهرا مخالفاتی نیز وجود دارند.

محمد بن الشربینی در مغنی المحتاج قول اصح نزد ماتن را جواز نظر در صورت امن از خوف فتنه دانسته و در این فتوی به نقل صحیحین از عایشه تمسک جسته است. البته هم ایشان در پایان بر خلاف ماتن (ابو زکریا یحیی بن شرف النووی از اعلام علماء شافعی در قرن هفتم هجری) و به تبعیت از اصحاب و مقطوع بودن این حکم بین مذاهب و غیر مذهب و با تمسک به قول خداوند «وقل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن» و هم چنین

روایت ام سلمه^۱ (که می‌گوید با میمونه نزد رسول خدا بودیم که ابن ام مکتوم وارد شد، پیامبر (ص) فرمود خود را از او بپوشانید. از رسول خدا سوال می‌کند آیا او کور نیست حضرت می‌فرماید: آیا شما دو تا هم کور هستید. آیا شما او را نمی‌بینید.) قائل به حرمت شده است. (۱۳۱/۳)

◆ ۲-۳- در مورد نگاه به دست و صورت، بین فقهاء بر سه قول اختلاف شده است:

◆ ۱- جواز نظر ولی با کراهت، یک نظر یا بیشتر. این قول را شیخ طوسی در مبسوط

(۱۶۰/۴) برگزیده و برای آن سه دلیل ذکر کرده است:

الف. تفسیر استثناء در آیه شریفه: «ولا یبیدین زینتهن إلا ما ظهر منها» به وجه و کفین.

ب. عام البلوی بودن مسئله

ج. معمول بودن خروج نساء به شکلی که دست و صورت آنها قابل رویت است در

تمام اعصار.

البته این حکم در جایی که ناظر زن و منظور الیه مرد باشد هم جاری است.

فاضل هندی در کشف اللثام (۲۶/۷) به دلیل اشتراک دلیل جواز و حرمت، حکم زن و

مرد را یکسان برشمرده است.^۲

◆ ۲- حرمت مطلق. علامه حلی در تذکره الفقهاء (۵۷۳/۲) این قول را برگزیده و دلایل

زیر را بر آن اقامه نموده است:

الف. عموم آیه شریفه: «ولا یبیدین زینتهن إلا لبعولتهن».

ب. اتفاق مسلمین بر منع زنان از اینکه بدان شکل خارج شوند.

ج. اگر نظر به آنها حلال بود آنان به مانند مردان بودند.

د. نظر به آنها مظنه فتنه و محل شهوت است و شایسته است شرع ریشه آن را برکند.

۱- روی عن أم سلمة رضی الله تعالی عنها قالت: كنت عند میمونه عند رسول الله (ص)، إذ أقبل ابن أم مکتوم، فقال النبی (ص) احتجبا منه فقلت: یا سول الله ألیس هو أعمی لا یبصر؟ فقال: أفعمیاوان أنتما ألتما تبصرانه؟ رواه الترمذی وقال حدیث صحیح.

۲- وكذا المرأة تنظر إلى وجه الأجنبي وكفيه مرة لا أزيد، لاشتراك العلة حرمة وجواز.

ه. اینکه در حجة الوداع وقتی ختعمیه در حال استفتاء از حضرت بود و فضل بن عباس و ختعمیه به همدیگر نظرمی کردند حضرت روی فضل را برگرداند و فرمود: مرد جوان و زن جوان، ترسیدم شیطان بین آنها دو وارد شود.^۱ (ابن حنبل ۷۶۱، ۱۵۷، الحاوی الکبیر ۳۵ / ۹). شهید ثانی در مسالک الافهام (۶۷) ضمن رد ادله فوق این قول را تضعیف نموده است. به نظر نگارنده در دلیل اول علامه از معنی «الأ ما ظهر منها» غفلت شده است، در دلیل دوم علاوه بر عدم حجیت اتفاق مسلمین برای استناد حکم به شارع، اتفاقاً آنگونه که بعضی از فقهاء هم تاکید کرده اند سیره مسلمین در تمام اعصار براین بوده که دست و صورت را مستور قرار نمی داده اند. در دلیل آخر نیز برخورد با زن با محور قرار دادن شهوت جنسی، و نیز زن را تنها وسیله‌ای برای تمتع مردان دانستن با روح تعالیم و آموزه‌های قرآن سازگار نیست. گذشته از اینکه لازم این دلیل مستور قرار دادن تمام زیبا رویان است نه زنان...! و بعید است کسی ملتزم به این قول شود.

◆ ۲- جواز نظر با کراهت برای با اولی. این قول را اکثر فقهاء از جمله محقق حلی در شرایع الاسلام (۱۹۵/۲) و علامه حلی (قواعد الأحکام ۳/۲، التحریر ۳/۲) و محقق کرکی در جامع المقاصد (۳۲/۲۱) و شهید ثانی در شرح اللمعه (۹۹/۵) برگزیده‌اند. دلائل جواز نگاه اول همان ادله‌ای است که قائلین به جواز ذکر کرده اند و دلیل حرمت معاوده هم مظنه شهوت بودن دوام نظر است.

البته شهید ثانی در مسالک الافهام قول به تحریم مطلق را طریق سلامت محسوب کرده و به اتحاد حکم نظر زن به مرد نیز به دلیل اتحاد آثار مترتب بر آن و هم چنین قول خداوند متعال که فرمود: «وقل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن» فتوی داده است.

محقق سبزواری ضمن ترجیح قول شیخ به اصاله الاباحه و آیه شریفه: «ولا یتبصرون فی وجهه الا ما ظهر منها» و تفسیر آن به وجه و کفین و همچنین روایت مروک بن عبید^۲ - که

۱- رجل شاب و امرأة شابة فخشيت ان يدخل بينهما الشيطان.

۲- مروک بن عبید عن بعض اصحابنا عن ابي عبد الله (ع) قال له ما يحل للرجل ان یری من المرأة إذا لم یکن محرما قال الوجه والكفان والقدمان.

از امام رضا (ع) نقل می‌کند که چه قسمت از بدن نامحرم برای مرد قابل دیدن است حضرت فرمود: دست و پا - از امام صادق علیه السلام و همچنین روایت علی بن سَوید^۱ - که از حضرت علی (ع) سؤال می‌کند من همیشه در معرض نگاه به زن زیبائی قرار دارم که مرا به وجد می‌آورد حضرت فرمود اشکالی ندارد - تمسک جسته است.

فاضل هندی (۲۶/۷) ضمن انتخاب این قول و بیان تساوی حکم زن و مرد قول شافعی را نیز مبنی بر جواز نظر زن به مواضع معمولاً آشکار مردان در حین کار نقل نموده است. صاحب جواهر (۹۶/۹۲) حکم به جواز نظر به طور مطلق داده و شیخ انصاری (ص ۴۰) معتقد است اگر چه نظر دقیق در اخبار وارده اقتضای جواز نظر به طور مطلق دارد الا اینکه نمی‌توان به استناد این اخبار جرات بر خروج از ادله حرمت نظر به اجنبیه کرد.

هم‌ایشان در بیان حکم نظر زن به مرد می‌فرماید:^۲ «همانگونه که برای مرد جایز نیست به زن نگاه کند، همچنین برای زن جایز نیست که به مرد نامحرم نظر افکند ولو کور باشد». (انصاری، ۶۱)

آیه‌الله خوئی (۶۴/۱) ضمن ناتمام دانستن ادله جواز نظر به وجه اجنبیه و منخدوش دانستن دلالت ادله تفصیل قول به حرمت را متعین دانسته است امام خمینی در تحریر (۲۴۳/۲) حرمت نظر به وجه و کفین را مطابق احتیاط دانسته و از جانب زن به مرد فتوی به جواز داده است. در مستند تحریر الوسیله (مصطفی‌الخمینی، ۳۹۴/۲) با عنایت به سیره مسلمین و تأیید بعضی از روایات حکم به جواز را ترجیح داده و بیان داشته مسئله‌ای به این مهمی که مورد ابتلاء جوامع اسلامی و رایج بین آنهاست اگر از نظر شرعی مشکل داشت باید با بیان واضحی که هرگز در آن اختلاف نشود بیان می‌شد.

در بین فقهاء عامه نیز مسئله اختلافی است. احمد حنبل نظر مرد به زن اجنبیه را بدون

۱- فی الصحیح عن علی بن سَوید قال قلت لابی الحسن (ع) انی مبتلی بالنظر إلى المرأة الجمیلة فیعجنی النظر إليها فقال یا علی لا بأس.

۲- اعلم أنه كما لا يجوز للرجل أن ينظر إلى الاجنبية، كذلك لا يجوز للمرأة للنظر إلى الاجنبی وإن كان أعمی، لعموم الأدلة.

دلیل حرام می‌داند در حالی که شافعی در صورت امن فتنه آن را با کراهت جایز می‌داند. (ابن قدامه، ۳۵۵/۷)

ظاهراً قابل قبول‌ترین دلیل قائلین به حرمت نظر مرد به زن و بالعکس همان احتیاط است که آنهم ریشه در تفکر برخورد با زن با محور قراردادن شهوت جنسی دارد که به‌حسب تاریخی نیز شاید چندان دور از واقعیت نبوده‌است. زیرا شاید آثار دیگری بر وجود زن در اجتماع بار نمی‌شده‌است. فلسفه وجودی زن تمتع مردان و نگاه به او نیز تنها در قالب همین مقصود متصور بوده‌است. اما امروز که زنان پا به پای مردان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی حضور دارند اینگونه تصورات از حضور زن رنگ باخته و چنین احتیاط‌هایی خود خلاف احتیاط تلقی می‌شود.

وجود چنین دیدگاه‌هایی پس از پیروزی انقلاب باعث شد بین صفوف آقایان و بانوان در مراکز علمی و کلاسهای درس دیوارهایی پارچه‌ای یا از غیر آن برافراشته شود، اما تحول نقش زنان در اجتماع به سرعت مرزهای اندیشه تاریخی رجال دینی را درنوردید و آنان را از اینکه مظنه شهوت اندر رها کرده و به سمت و سوی شخصیت واقعی و کرامت وجود زن که بر اساس آموزه‌های دینی به مانند مردان است سوق داد.

تمسک فقهاء به اصالة الاباحه یا اصالة الجواز باینکه این اصول عرفی و عقلانی هستند نگارنده را به این دیدگاه سوق داده که هرگونه نگاه عقل مدار از سوی زنان به مردان یا بالعکس به استناد عرف عقلاء بلامانع است.

اما نگاه‌های شهوت مدار، نگاه‌هایی که به دنبال شکار و صید می‌گردد به لحاظ آثار مخربی که در پی دارد و مذموم عقلاءست نمی‌تواند در حوزه و قلمرو اصالة الاباحه از جواز برخوردار باشند.

اینک قبل از خاتمه بحث مدلول آیه شریفه مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهیم.

بررسی حکم نگاه از منظر قرآن

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا

يَصْنَعُونَ». (النور، ۳۱)

در مورد کلمه غض اختلاف نظر وجود دارد که البته در حکم مستنبط از آیه نیز تاثیرگذار است. اگر منظور از غض نقص و خفض باشد مانند قول خداوند تعالی «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكِ» (لقمان، ۱۹) در این صورت آیه دلالت دارد نظر خفیف جایز است. و اگر منظور اطراق و کسر باشد در این صورت مراد آیه، منع شدید به منظور صیانت از نظر و رویت است تا در حرام واقع نشود. که عرفاً تفسیر می شود به ترک نظر.

صرف نظر از اختلافاتی که در معنی کلمه «من» وجود دارد (زائده باشد، تبعیضیه، ابتدائیه یا بیانیه) نکاتی در آیه شریفه وجود دارد که برداشت حرمت مطلق از آیه را با مشکل مواجه می سازد:

◆ اول اینکه خطاب آیه به مومنین است نه مسلمانان،

◆ دوم اینکه تعبیر ازکی که به منزله تعلیل حکم است با وجوب و حکم الزامی سازگاری ندارد.

◆ سوم اینکه محدوده ممنوعه نظر در آیه ذکر نشده و حداکثر مورد ممنوع به تناسب ذیل آیه نظر به عورت میتواند باشد نه بیشتر، همین نکته را روایتی که مرحوم کلینی در الکافی از علی بن ابراهیم از ابوعبد الله علیه السلام آورده تأیید می کند که امام به موجب آن می فرماید خداوند بر چشم واجب کرده که به آنچه خدا بر او حرام کرده نظر نیکنند و از آنچه از آن نهی کرده اعراض کنند... و در ادامه پس از ذکر آیه می فرماید: «أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَأَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أُخِيهِ، إِلَى أَنْ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهَذَا مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَى الْعَيْنَيْنِ مِنْ غَضِّ الْبَصَرِ...» (همانجا) یعنی: «نهی کرده از اینکه نظر به عورات یکدیگر کنند، و اینکه کسی به عورت برادرش نظر افکند... تا اینکه فرمود: این بستن دیده همان فرضی است که خدا بر چشمان واجب کرده است».

مفسرین نیز با توجه به این نکات استفاده از آیه را در حفظ عورت و حرمت نظر به عورت محدود ساخته اند. علامه طباطبایی (المیزان ۱۱۱/۱۵) آورده در این آیه مراد حفظ فرج از نظر است نه زنا، سپس روایتی از امام صادق ع نقل کرده که امام فرمود هر آیه ای در قرآن در حفظ فرج وارد شده حفظ از زناست غیر از این آیه که مراد حفظ از نظر است.

آنگاه ایشان به همین دلایل احتمال داده جمله دوم صدرایه را مقید کرده و مراد نهی از نگاه به فرج می‌باشد. همین معنی را صاحب البرهان فی تفسیر القرآن (۵۹/۴) با توجه به روایتی که نقل کرده آورده که منظور نگاه نکردن به فرج دیگران است. شیخ طوسی نیز در تبیان (۴۲۹/۷) غضبصر از عورات زنان را منظور دانسته، صاحب الفرقان فی تفسیر القرآن (۱۰۸/۲۱) نیز گفته قدر متیقن از مواردی که بستن دیده مامور به واقع شده همان دیده فروستن مردان از نگاه به عورات زنان و زنان از نگاه به عورات مردان است.

عروسی حیویزی نیز در تفسیر نورالثقلین (۵۸۹/۳) به استناد روایتی که از من لایحضره الفقیه آورده و به موجب آن حضرت علی در وصیت یه محمد حنفیه می‌فرماید «حرام شده که مرد به عورت دیگری نظر افکند».

در حالی حکم به عموم غض که بعضی از فقهاء در پی اثبات آنند حوزه‌ای وسیع شامل دست و صورت و... را می‌طلبد.

اگر چه بعضی از فقهاء (محقق داماد، ۲۶/۲) تلاش بی‌شائبه‌ای کرده‌اند تا از آیه به دلیل عرف و تناسب حکم و موضوع حرمت نظر به غیرمماثل را استخراج کنند، تلاشی که محصلی ندارد. ایشان می‌فرماید: «نتیجه اینکه آیه شریفه به دلیل اطلاقی که دارد دلالت می‌کند بر حرمت نگاه مرد به زن مطلقاً بدون اینکه عضوی مانند دست و صورت استثناء شده باشد».

نتیجه مقاله

نگاه زن یا مرد به هم جنس یا غیر هم جنس خود، تا آنجا که به عنوان صیادی افسار گسیخته در اطاعت از نفس شیطانی قرارنگیرد، مشروع و مجاز است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن ادریس، ابو جعفر محمد بن منصور، السرائر، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
- ۳- ابن قدامه، ابو محمد عبد... بن احمد، المعنی بیروت، دارالکتاب العربی، [بی تا].
- ۴- ابن قدامه المقدسی، شمس الدین ابو الفرج، الشرح الکبیر، بیروت، دارالکتاب العربی، [بی تا].
- ۵- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب النکاح، قم، چاپ اول، انتشارات موسسه الهادی، ۱۴۱۵ هـ.ق.

- ۶- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم، موسسه النشر الاسلامی، [بی تا].
- ۷- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه بعثت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۸- جنداری، احمد بن عبدالله، شرح الازهار، یمن، چاپخانه غمضان، [بی تا].
- ۹- حرعاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۱۰- حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، قم، انتشارات استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
- ۱۱- همو، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، المختصر النافع، قم، انتشارات، بعثت، چاپ دوم، ۱۴۰۲ هـ.
- ۱۲- حلی، ابن فهد، المهدب البارع، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۱۳- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، موسسه آل البيت.
- ۱۴- همو، قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۱۵- همو، تحریر الاحکام، قم، موسسه امام الامام الصادق، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۱۶- حلی، محمد بن الحسن، ایضاح الفوائد، قم، انتشارات علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ق.
- ۱۷- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، تهران، چاپخانه صدوق، چاپ دوم، ۱۳۵۵ ش.
- ۱۸- خوئی، ابوالقاسم، کتاب النکاح، چاپخانه دارالعلم، [بی تا].
- ۱۹- خمینی موسوی، روح ا...، تحریر الوسیله، نجف، چاپخانه آداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق.
- ۲۰- خمینی، سید مصطفی مستند تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۱- روحانی، سید محمد، المسائل المنتخبه، چاپخانه ایمان، بیروت ۱۴۱۷ هـ.ش.
- ۲۲- سبزواری (محقق)، محمد باقر، کفایة الاحکام، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.
- ۲۳- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، مسالک الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۲۴- همو، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، قم، [بی تا].
- ۲۵- شربینی، محمد، مغنی المحتاج، مصر، چاپخانه مصطفی، ۱۹۵۸ م.
- ۲۶- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم ۱۴۱۵ هـ.ق.

- ۲۷- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، [بی تا].
- ۲۸- همو، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۹- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، النهایة، قم، انتشارات قدس محمدی، [بی تا].
- ۳۰- همو، المبسوط، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ ق - ۲۴ همو، خلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۳۱- همو، التبان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
- ۳۲- طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۳۳- طوسی، ابن حمزه، الوسیله ال نیل الفضیله، قم، چاپخانه آیت اله مرعشی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۳۴- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نوراقلین، انتشارات اسماعیلیان قم ۱۴۱۵ ق.
- ۳۵- عالمی، سید محمد، نهایة المرام، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۶- فاضل هندی، محمد بن الحسن، کشف اللثام، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].
- ۳۷- فاضل ابی، زین العابدین، کشف الرموز، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].
- ۳۸- کرکی (محقق ثانی)، علی بن الحسین الکرکی، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
- ۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، [بی تا].
- ۴۰- مفید، ابو عبدا... محمد بن محمد، المقنعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۴۱- منهاجی اسیوطی، شمس الدین، جواهر العقود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.
- ۴۲- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۴۳- نووی، محی الدین بن شرف، روضة الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴۴- یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.